

تا دریا درست يك فرسنگ است. خیابان عربیض و طولانی و سنگفرش، در آن باتلاق و گل مازندران، سلاطین صفویه ساخته اند در کمال خوبی. دروازه دیگر به طرف شرق است که دروازه استراباد می گویند که به اشرف و استراباد از این راه می روند.

دروازه دیگر هم بیرون دروازه استراباد است. آن وقت که من دیدم (۱۲۷۸ تا ۱۲۸۲) مخروبه بود.^{۱۴}

شهر ساری دارای همه نوع ابنیه لازم است متعدده، کاروانسراها و آب انبارها و غیره و غیره. همرا نسبت به سلاطین صفویه داده اند. مگر يك دیوانخانه بزرگ که آن را نسبت به کریم خان زند داده اند.

آب انبارهای این شهر وقت تابستان که آنجا یخ و برف هیچ نیست، یکی از نعمتهای بزرگ الهی است. بسیار بسیار سرد و خنک و خوب است.^{۱۵}

ساری در سال ۱۲۹۱ هجری قمری

نی پیه در سال ۱۲۹۱ ه. ق. درباره شهر ساری می نویسد:

شهر ساری پایتخت حکومت میرزا مسیح معزالدوله، در این زمان بمراتب آبادتر از دوران سفر فریزر است. غرض از این عبارت آن نیست که حصار سوراخ شهر یا دیوارهای ریخته را مرمت کرده بودند. از ملاحظات نی پیه پیداست که ظواهر شهر ساری چندان تغییری نکرده بود و از چهار دروازه شهری یعنی بارفروش، استراباد، فرح آباد و چهل دختران، فقط دروازه استراباد سالم و برجا مانده و به خوبی تعمیر شده بود. در این باره می نویسد:

دروازه استراباد، يك پاسدار خانه و دو برج دارد که سقف آنها

به همان اسلوبی که در نقاشیهای تبت یا چین دیده می شود، تزیین شده است.

۱۴- تاریخ سرگذشت مسعودی ص ۲۷ و ۲۸.

۱۵- تاریخ سرگذشت مسعودی ص ۲۸.

در داخله شهر ظواهر همه چیز نظیف و مرتب است و جنب و جوش و ثروتی به چشم می خورد که در ایران غیر عادی است.^{۱۶}

ساری در سال ۱۳۳۶ هجری قمری

راینو در سال ۱۳۳۶ قمری درباره شهر ساری می نویسد:

ساری در میان دشتی قرار گرفته است و محیط آن در حدود سه میل است. در ایام پیشین دور تا دور شهر دیوار و خندقی قرار داشت که اکنون بقایای آن در بعضی نقاط به چشم می خورد.

قلاع و استحکامات این شهر را آقا محمد خان قاجار بنیاد نهاد و آنچه در عهد سلطنت وی احداث گردیده بود، در دوران فتحعلی شاه تعمیر شد. کوی مهم شهر «میرمشهد» نام دارد. مسجد جمعه آن در ایام گذشته آتشکده ای متعلق به گبرها بوده است. مشهور است که در نزدیکی آن آتشکده، قبر فریدون قرار داشته است. اما اکنون اثری از آن برجا نمانده. شهر ساری که والی نشین ایالت محسوب می شود، اصلا به امر آقا محمدخان ساخته شد. بر اثر حریق قسمتی از این شهر از میان رفت و سپس به فرمان محمد قلی میرزا ملک آرا - یکی از فرزندان فتحعلی شاه - از نو در آنجا تعمیرات فراوانی نمودند.^{۱۷}

16- Napier, G. C. : Collection of Journals and Reports on A Special Duty in Persia, London, 1874, P. 49.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان ص ۵۶.

۱۷- سفرها و ماجراهایی در کرانه های خزر سال ۱۸۲۶ میلادی ص ۴۵۱ و ۴۵۲. به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان ص ۶۸.

دیدار فریزر از ساری

فریزر در سال ۱۳۲۷ ه. ق. درباره ساری می‌نویسد:

از علی آباد (شاهی = قائم شهر) راه زیر سایه درختان جنگلی است^{۱۸} ساری را ایرانیان قدیم ساخته‌اند.

چهار آتشکده گبری آتش پرست در اینجا است. این گبران سابقاً در تمام این ساحل اقامت داشته‌اند. این ساختمانها گنبد دارد و گنبد آنها مدرور است. جسای تعجب است که این آتشکده‌ها را پس از میان رفتن مذهب زردشتی بر پا نگاه داشته‌اند. قطر آنها در حدود سی فوت و ارتفاع آنها صد و بیست فوت است.^{۱۹}

معلوم نیست فریزر کدام بناها را شرح می‌دهد و منظور او از این آتشکده‌ها چیست. ظاهراً آب انبارها را به جای آتشکده گرفته است!

محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره ساری می‌نویسد:

ساری، ساریه، سارویه، از بلاد قدیمه است. گویند «طوس نوز» بنیاد نهاد و «طوسان» نام کرد. چون خراب شد ثانیاً ساختند و ساری نامیدند. فرخان بزرگ و مازیار در آبادی آن کوشیدند. شهر کی است دلنشین مشتمل بر بیوتات و عمارات پادشاهی، حمام و بازار و مساجد و مدارس. آبادانی این بلده در این اواخر از شاه شهید و خاقان مغفور است و ملک آرا و اولاد او بر آن افزوده‌اند.^{۲۰}

ملگنوف بناها و محلات شهر را چنین یاد کرده است:

گنبد سه تن = سه گنبد، قبر خاتون، شاطر گنبد، دیوانخانه،

۱۸- قسمت III فصل ۴۳ ص ۱۹۸. ۱۹- قسمت III فصل چهل و سه ص ۲۰۱.

۲۰- مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۲.

کلاه فرنگی.

دروازه‌ها: دروازه بار فروش، دروازه فرح آباد، دروازه استراباد، دروازه نقاره خانه = ارگ = دیوانخانه.

محلات: سبزه میدان، نقاره خانه، اوصانلو محله، بلوچی محله، کرد محله، بلوچی خیل، اصفهانی محله، افغون محله، چاله باغ، شپش-کشون، باغ شاه کهنه، قلیچ لی محله، میرسرروضه، میرمشهد محله، بیرامتر^{۲۱}، در مسجد، پای چنار، شیشه گر محله، نعل بندان، بهار آباد، شاهزاده حسین، امامزاده عبدالله.

کاروانسراها: کاروانسرای وکیل، کاروانسرای میرزا آقا، کاروانسرای حاجی عباسعلی.

مساجد: مسجد جامع، مسجد حاج مصطفی خان، مسجد حاج درویش علی، مسجد حاج رضا خان.

مدارس: مدرسه مادرشاهزاده، مدرسه سلیمان خان.

حمامها: حمام میرزا یوسف، حمام سه شنبه، حمام یکشنبه،

حمام صادق خان، حمام حاج درویش علی، حمام باغ شاه.^{۲۲}

محله‌ها و گذرهای کنونی شهر ساری

سبزه میدان، چاله مسجد، سروینه باغ، کوی لسانی، کوی ارتش، کوی کارمندان، نقاره چی محله، میرسرروضه، قلیچ محله، اوصانلو محله، اصفهانی محله، حاجی آباد، نومل، کارمندان دولت، تجن کنار، جهان نما (محمدتقی خان) چراغ برق، آب انبارنو، مختار محله، ملا آقا بابا، افغانی محله، پیر تکیه، بربری محله، مهدی آباد، خزائلی، هنرستان بهرامتر، میرمشهد، شهر بند، کوچه صفدری، چهار تکیه، نعلبندان، میرزای مجتهد.

۲۱- بهرام اتر (بضم الف و تاء) امروز.

۲۲- ملگنوف متن روسی صفحات ۱۱۴-۱۳۱ درباره این ناحیه است.

ناصرالدین شاه درساری

دهم شوال (سال ۱۲۹۲ قمری) نزدیک پل تجن سواراسب شدم. از دروازه استراباد داخل شهر شده، جمعیت زیادی از مرد و زن بودند. کوچه‌های سنگ‌فرش شهر آباد و قشنگ است. رسیدیم به سبزه میدان، جمعیت زیادی آنجا بود. از سبزه میدان الی باغ ملک آرائی که منزل ما است علی خان مرحوم که سابقاً از جانب عضد الملک نایب الحکومه مازندران بود، خیابانی احداث کرده است. تمام اشجار این خیابان مرکبات است و تقریباً دوهزار و پانصد ذرع طول این خیابان است. جنین این، فانوس زیادی آویخته بودند.^{۲۳}

سیل و زلزله درساری

حسن بن اسفندیار درباره سیل سال ۳۲۳ هجری قمری می‌نویسد:
درسال ۳۲۳ آب درساری افتاد و جمله ساری خراب کرد و بنیادی که پیش از آن بود هیچ برقرار نگذاشت و مردم ساری جمله با پایان کوهستان شدند تا خدای تعالی آب باقرار آورد.^{۲۴}
زلزله عظیم طبرستان درساری و سایر شهرهای مازندران نیز خرابی به بار آورد اما کانون آن در فریم وزارم بوده است. در تاریخ طبرستان آمده است:
در این سال (۵۶۰۶ ه. ق) در طبرستان زلزله‌ای بادید آمد در نواحی شهریار کوه زلزله عظیم بود. شهر فریم فروشد. رستاق کنیم وزارم تمامت آنچه بالای آسیای او است جمله خراب شد و دیهی بود «دولیت» نام، از جای بر آمد و به آن سوی جوی شد و خرابی تمام در شهریار کوه پدید آمد.^{۲۵}

۲۳- سفرنامه ناصرالدین شاه سال ۱۲۹۲ به نقل از تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۸۹ و ۱۹۰. ۲۴- تاریخ طبرستان ص ۲۹۶. ۲۵- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۷۵.

مهجوری از سیل دیگری یاد می‌کند که در سال ۳۲۶ و ۳۲۷ ساری را خراب کرده است اما چون منبعی را که از آن نقل کرده است نشان نمی‌دهد، نمی‌دانیم این همان سیل سال ۳۲۳ است یا سیل دیگری است که سه سال بعد از آن آمده است.^{۲۶} قشون سلطان تکش بن ایل ارسلان در سال ۵۹۸ ساری را به آتش کشیده است. در تاریخ طبرستان منتسب به حسن بن اسفندیار چنین آمده است:

در سال ۵۹۸ قشون سلطان تکش بن ایل ارسلان به مازندران آمد به ساری و جمله قصرها و مقام جای شاه سوخته و شهر را آتش زده و قتل و غارت کرده. اصفهبد اردشیر در لهور بود.^{۲۷}
مؤید ای ابه نیز ساری را آتش زده است.^{۲۸}
آتش سوزی بزرگ ساری هنگامی که آقا محمدخان در دامغان بود. در حدود سال ۱۲۰۰ قمری اتفاق افتاد.

حصار و شهر بند ساری

حسن بن اسفندیار می‌نویسد:
عمارت حصارهای آمل و ساری را عبدالملک بن القعقاع مرمرتها کرد و سور پدید آورد تا آن وقت که مازیار خراب فرمود.^{۲۹}
همین مؤلف در جای دیگری می‌نویسد:
حصارهای آمل و ساری را مازیار پست کرد و به کوهستانها قلعه ساخت.^{۳۱}

در جنگی که میان رافع و عمرو لیث واقع شد، رافع حصار ساری را محکم کرد.^{۳۲} سید کمال‌الدین مرعشی در شهر ساری حصار و خندق و کوشک و مسجد و خانه

۲۶- تاریخ مازندران ج ۱ ص ۱۲۶. ۲۷- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۵۹. ۲۸- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۱۶. ۲۹- تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۳۶. ۳۰- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۹. ۳۱- همین کتاب ص ۲۱۱. ۳۲- همین کتاب ص ۲۵۵.

و گرمابه ساخته است.^{۳۳}

دیوار و شهر بند ساری گلی و دارای برجهای آجری مربع می باشد که محیط آن بیش از دو میل نیست.^{۳۴}

شهر ساری از نظر فریزر در سال ۱۴۳۸ ه. ق

جیمز فریزر در سال ۱۸۲۲ میلادی مطابق با ۱۲۳۸ هجری قمری از شهر ساری به طرف گرگان عبور کرده و درباره آن نوشته است :

شهر ساری شهر کهنه ایست . فردوسی در شاهنامه از آن نام برده است . معروف است که این شهر را تهمورس دیوبند - سومین شاه پیشدادیان ساخته است . مورخین اخیر آن را مرکز مازندران می دانند . مدتی محل اقامت آقا محمد خان قاجار بود که پس از مرگ کریم خان و فرار از شیراز ، در اینجا اقامت داشت . این شهر سابقاً آبادتر و پر جمعیت تر بوده است . حصار و خندق آن مدت ها است که رنگ تعمیر به خود ندیده است . برجهای مربع شکل و باروی دو آجری در فواصل مختلف ساخته اند و یکی دو برج برای حفظ دروازه ها بنا کرده اند . بازار شهر سه شنبه بازار است و روی هم رفته رونقی ندارد .^{۳۵}

برج و بارو و خندق شهر ساری در سال ۱۲۵۱ ه. ق ،

حصار و برجهای متعدد و خندقی که در عهد آقا محمد خان قاجار ، احداث یا مرمت گردیده بود ، بر اثر مرور زمان و بی مبالائی مسؤولان چنان ویران و بی ثمر بود که دیگر نمی توانست مردم ساری را از شر ایلغار ترکمانها برهاند ، چه رسد به آنکه دژ پایداری از برای دلاوران مازندران در برابر هجوم لشکریان بیگانه باشد .

استوارت می گوید :

۳۳- تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹ . ۳۴- با اطلاعات دیگر درباره ساری مهجوری ج ۲ ص ۱۵۹ . ۳۵- سفرنامه فریزر ص ۴۰ .

دیوار شهر در پاره ای نقاط ریخته بود و در جاهای دیگر بر اثر ریزش خاک کف خندق بالا آمده بود و در مشرق شهر که کف خندق تا حدودی مرطوب بود ، هزاران لاک پشت در آن می خزیدند.^{۳۶}

ایلات و طوایفی که در ساری و اطراف آن سکونت داده شده اند

طایفه گرایلی از ترکمانان که در گرایلی محله اشرف (به شهر) ساکن اند ، آقا محمد خان قاجار ایشان را از کالپوش بدینجا کوچانیده است .^{۳۷}

و طایفه گرایلی که در قزلی از دهکده های شمال ساری نشسته اند ، محمد شاه از کناره گرگان و کالپوش آورده است .^{۳۸}

طایفه های اصائلو و بلوچ و کسرد که در محله سبزه میدان محمد شاهی در ساری سکونت داده شده اند قریب به صد و پنجاه خانوارند .^{۳۹}

طایفه قلیچلو از طوایف ترکمان در قلیچلو محله ساری سی خانوارند .^{۴۰}

طایفه عبدالملکی از کلاردشت به زاغمرز پایین از دهکده های بلوک میان دورود کوچانیده شده اند .^{۴۱}

طایفه گرجی در گرجی محله از دهکده های غربی اشرف (به شهر) .^{۴۲}

عبدالملکی ها از نور و کجور به دهکده «چار امام» از دهکده های میان دورود کوچانیده شده اند .^{۴۳} در سال ۱۲۷۷ ه. ق. در مازندران دوست خانوار بوده اند .^{۴۴}

افغانان قرا تبه از دهکده های بلوک میان دورود اشرف (به شهر) در ایام نادر شاه بدینجا کوچانیده شده اند . پس از قتل او همگی به استرآباد به همسایگی گوکلان یا

36- Stuart, Charles: Journal of a Residence in northern Persia, London 1854, p. 265.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان ص ۳۷.

۳۷- نسخه عکسی ترجمه ملکنوف ص ۵۸ ب . ۳۸- همین نسخه ص ۷۷ ب .

۳۹- همین نسخه ص ۹۳ الف . ۴۰- همین نسخه ص ۹۳ الف . ۴۱- همین

نسخه ص ۱۵۹ الف . ۴۲- همین نسخه ص ۵۹ ب . ۴۳- همین نسخه ص ۱۵۹ الف

۴۴- همین نسخه ص ۹۰ الف .

به ولایت خود رفتند. آقا محمد خان قاجار دوباره ایشان را به ساری و قرا تپه آورد. در زمان ملگنوف یعنی در سال ۱۲۷۷ ه. ق. صد خانوار آنان در قرا تپه بوده‌اند.^{۴۵} تالش در تالش محله از دهکده‌های غرب اشرف (به شهر) سکونت داده شده‌اند. معروف است که آقا محمد خان قاجار ایشان را از لنکران آورده است.^{۴۶} در سال ۱۲۷۷ در مازندران هشتاد خانوار بوده‌اند.^{۴۷}

از طایفه عمر انلو در سال ۱۲۷۷ قمری در مازندران صد خانوار بوده‌اند.^{۴۸} جان بیگلر از طوایف کرد با طایفه مدانلو در سال ۱۲۷۷ قمری در مازندران پنجاه خانوار زندگی می‌کردند.^{۴۹} عثمان لوی گرایلی و بلوچ و اصائلو در همین سال در مازندران پانصد خانوار بوده‌اند.^{۵۰}

خواججه‌وند هم در همین سال در مازندران بالغ بر ۴۵۴ خانوار بوده‌اند.^{۵۱}

افاغنه در ساری

مؤلف تاریخ گیتی‌گشا می‌نویسد:

محمد حسن خان بعد از استیلای ارومی و استیصال آزادخان افغان خانواری جمهور افاغنه را که کوچانیده بود، روانه مازندران کرد و یوسف خان هوتکی سرسلسله ایشان بود. محمد حسن خان ایشان را در ساری جا داد.^{۵۲}

ملگنوف می‌نویسد:

در افغان محله شهر ساری سی خانوار افغانی سکونت دارند.^{۵۳} برای آگاهی بیشتر در باره ایلات و طوایف کوچانیده شده به مازندران نگاه

۴۵- نسخه عکسی ترجمه ملگنوف ص ۵۹ الف . ۴۶- همین نسخه ص ۵۹ ب .
 ۴۷- همین نسخه ص ۹۰ ب . ۴۸- همین نسخه ص ۹۰ الف . ۴۹- همین نسخه ص ۹۰ ب . ۵۰- همین نسخه ص ۹۰ ب . ۵۱- همین نسخه ص ۹۰ الف .
 ۵۲- تاریخ گیتی‌گشا ص ۶۸ . ۵۳- نسخه عکسی ترجمه ملگنوف ص ۹۳ الف .

کنید به گزارشهای دیپلماسی و کنسولی رابینو شماره ۴۸۱۲ ص ۲۱ تا ۲۴ .

درفر هنگک جغرافیائی ایران درباره شهر ساری مطالب زیر آمده است :

طول جغرافیائی شهر ساری ۵۳ درجه و پنج دقیقه و عرض آن ۳۶ درجه و چهار دقیقه است. این شهر در بیست و هفت کیلومتری دریای مازندران و بیست و یک کیلومتری علی آباد (قائم شهر) و صد و سی و هشت کیلومتری استراباد (گرگان) است. آبادی آن به دست طوس پسر نوذر بوده است و تجدید بنای آن به دست فرخان پسر دابویه از ملوک گاو باره می‌باشد که معروف است به نام پسر خود آن را «سارویه» نامید .

در دوران ساسانیان و صدر اسلام از شهرهای آباد شمال ایران بوده است . در طول تاریخ خود از زلزله‌ها و سیلابهای تجم و وبا و طاعون و یکی دوبار آتش سوزی و هجوم مغولان و سایر ایلات صدمات بسیار خورد به امر شاه عباس شهر آباد شد و بناهای عمومی در آن ساخته شد . اوایل دوران قاجاری نیز روی در پیشرفت داشت ولی در اواخر این دوره دچار وقفه شد . با گذشتن راه آهن از کنار شهر و ساختن بناهای دولتی جدید در آن رونقی تازه پیدا کرد .

۱- بناها و آثار تاریخی شهر ساری آثار ساسانی در ساری

در ماه نوامبر ۱۹۵۴ (۱۳۷۴ قمری) کارگری در کارگاه آجرپزی در کنار خط راه آهن ساری به تهران سه ظرف نقره ساسانی پیدا کرد. (ف ک ۷) روی زیباترین آن آن سه ظرف، نقشی از منظره شکارگاه شاهنشاه ساسانی دیده می‌شد. احتمالاً این نقش یکی از پسران شاپور دوم یا شاپور است که قصد شکار دو شیر را دارد (لوحة ۷ الف). دو ظرف دیگر عبارتست از يك بشقاب نقره و يك جام شراب که شکل مخصوصی دارد و از پنج قسمت تشکیل شده در همین ناحیه اخیر اشیاء دیگری از عهد ساسانی خصوصاً از قرن پنجم و ششم میلادی پیدا کرده‌اند مانند سه جام (لوحة ۱۷ ب ج د) که روی یکی از آنها منظره‌ای از مهمانی دیده می‌شود و نیز دو چنگال نقره خالص در همین محل پیدا شده است که روی آنها نام «هرمز پس نرکش» نقش شده است (ف ک ۸)

سه گنبدان = گنبد سلم و تور

در شهر ساری

میر ظهیر الدین در سال ۸۸۱ درباره این بنا می‌نویسد:

سه گنبدان، شاه منوچهر اساس افکنند جهت مدفن سرای ایرج و تور و سلم

و به عهد اصفهبد خورشید خلل یافته بود: باز مرمت کردند. مقدر بشر نیست که از آن عمارت خشتی جدا کنند از استواری و محکمی آن.^۲

گنبد سلم و تور در سال ۱۲۳۷ ه. ق.

فریزر در سال ۱۸۲۲ میلادی در شهر ساری بوده و درباره گنبد سلم و تور نوشته است: بنایی که در ساری قابل ارزش و دقت است، گنبد سلم و تور است که شکل استوانه‌ای دارد. بام آن مخروطی است و بلندی آن به صد فوت می‌رسد و محیط داخلی آن کمی کمتر از سی فوت است. سراسر حجم درونی خالی است و هیچ وسیله‌ای برای بالا رفتن در آن تعبیه نشده است گنبدی داخلی دارد که بالای آن باز است. بام مخروطی آن به یک نقطه واحد نمی‌رسد و کمی نامنظم است که نشان می‌دهد زمانهای بعد به آن افزوده‌اند. قسمت داخلی برج با روشنایی روز روشن می‌شود ولی هیچگونه سوراخی برای ورود نور ندارد. مدخلی با طاق هلالی دارد. متصل به آن هنوز خرابه‌های کفش کن مرتفعی دیده می‌شود که با فاصله زیادی از برج ادامه داشته است. این ساختمان زیبا با آجر و ساروج بنا شده است و با مهارت تمام در آن کار کرده‌اند. آجرها مربع شکل و رنگ سرخ تیره دارند و بسیار خوب پخته شده‌اند و ساروج با این آجرها طوری به هم چسبیده‌اند که جز با شکستن آجرها نمی‌توان آنها را از هم جدا کرد. شاید ماندن این برج به علت این استحکام بوده است. برای اینکه ممکن بود مدتی پیش برای مصالح آن را خراب می‌کردند. اهالی معتقدند که ساروج را به جای آب با شیر شتر مخلوط کرده‌اند^۳، به این سبب تا این حد استحکام پیدا کرده است. شکافهای چندی داشت که بر اثر زلزله پیدا شده بود. می‌گفتند آقا محمد خان قاجار سعی داشت آن را به ضرب گلوله توپ خراب کند. چند گلوله

۲- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۱.

۳- سفرنامه فریزر ص ۴۲.

انداخت اما اثری زیادی نداشت. سوراخهای بدنه آن که آثار تمایل شیطانی اوست تا امروز باقی است. سبک بنا و معماری این برج شبیه سایر برجهایی است که من در مسافرت خود در صفحات خراسان شرح داده‌ام. نظیر گوری که در دامغان است. خصوصاً نظیر گنبد قابوس در گرگان. دو کتیبه کمر بندی با حروف کوفی بر کاشیهای سبزرنگ پر جلاست که دور تادور گنبد می‌گردد. یکی تقریباً بالای آن و یکی کمی پایین تر از کمرو میان بناست. این دو کتیبه هم تزیین بوده و هم تاریخ و موضوع بنا را شرح می‌دهد. لعاب کاشیها در بیشتر قسمتها از بین رفته و کارخواندن کتیبه را مشکل کرده است اهالی می‌گفتند این کتیبه‌ها خوانده شده و از آنچه ایشان نقل می‌کردند می‌توان به این نتیجه رسید که این بنا بر گور حسام الدوله یکی از بزمندگان خاندان دیلمیان است که در قرن پنجم هجری فوت شده است. من این شرح را ندیدم و میرزا و کسان دیگری که در ساری بودند این کتیبه را نخوانده بودند اما دلیلی برای شك و تردید هم ندارم.^۴ قسمت مخروط بام ریزی با کاشیهای مربع شکل پوشانده شده بوده است. اما در بیشتر جایها کاشیها افتاده بود. این بنا با اینکه شباهت تام به گنبد قابوس دارد ولی به حد کمال او نرسیده است. قسمت داخل شیشه‌گر خانه شده و بطریقه‌های ناهموار و اشیائی نظیر آن می‌سازد. آتشی که قسمت بالا را سوزانده است می‌گفتند از کوره این شیشه‌گر خانه اثر کرده است.

سپس فریزر شرحی راجع به طلسم این بنا و افسونگر هندی که این طلسم را کشف کرده بوده است می‌دهد که مربوط به تاریخ و شرح بنا نیست ولی این مطلب را می‌رساند که از قدیمترین ایام افسونگران هندی، مأمور تخریب بناهای تاریخی بوده‌اند.^۵ فریزر دنباله سخن را چنین ادامه می‌دهد:

کمی دارم که این گنبد با گنبد سلم و تور که هنوی آتشکده

۴- سفرنامه فریزر ص ۴۳. ۵- سفرنامه فریزر ص ۴۴.

دانسته یکی باشد. او می نویسد که این گنبد از بالای دیوارهای خانه‌ها از فاصله دوری پیداست. بنای دیگری در محل نیست که این وصف در مورد آن صادق باشد. من زیاد تحقیق کردم ولی چنین بنایی در شهر و اطراف آن نیست.

تا جائیکه نگارنده تحقیق کرده است گنبد سلم و تور بسا گنبد حسام الدوله شهریار ارتباطی ندارد. گنبد سلم و تور از بناهای دوران ساسانی است و گنبد حسام الدوله شهریار از بناهای باوندیان است. احتمال می رود تا زمان فریزر نشانی از گنبد سلم و تور برجای نبوده است.

گنبد سلم و تور در سال ۱۲۵۱ قمری

از نوشته‌های چارلز استوارت معلوم می شود که يك سال پیش از سفر وی به مازندران یعنی همان سالی که فتحعلی شاه چشم از جهان فرو بست، وقوع زلزله شدیدی در نواحی شمالی ایران باعث ویرانیهای زیادی گردید. احتمال دارد که یکی از قدیمترین اماکن تاریخی شمال، یعنی مکانی که به مزار سلم و تور مشهور بوده بر اثر همین زلزله بکلی نابود شده باشد. مزار سلم و تور همان است که چوناس هنوی آنرا معبدی متعلق به گبرها خوانده و جیمس بیلی فریزر آن را مقبره یکی از وزیران دیالمه دانسته است. استوارت مدعی است که بلاشک این مزار بر اثر زلزله از بین رفته و والی سابق مازندران - ملک آرا - بر روی ویرانه‌های گنبد سلم و تور خانه‌ای بنا نموده بود.^۶

ملگنوف درباره این گنبد می نویسد:

قبر سلم و تور مناره‌سان و مدور و راه آن مسدود بود.... حسام الدوله

6-Stuart Charles: Journal of a residence in northern Persia, 1854, pp. 254, 255.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران و آذربایجان ص ۳۸.

حکمران دیلمان در سال ۵۰۰ آنجا مدفون شد. این گنبدها به پایه‌ای استوار بودند که محمد شاه آنچه خواست با توب منهدم سازد نتوانست.^۷

در سفرنامه‌ای که ظاهراً یکی از همراهان درن در سال ۱۲۷۵ قمری نوشته است راجع به گنبد سلم و تور مطالب زیر آمده است:

گنبد سلم و تور در پشت سر امامزاده یحیی و سید زین العابدین برقرار بود که الان (سال ۱۲۷۵ ه. ق.) مخروبه است.^۸

مهجوری درباره گنبد سلم و تور می نویسد:

این دو گنبد سنگی قدیمی را که گذشتگان از آن یاد کرده‌اند، نزدیک مسجد شادغازی و دخمه خاندان سپهبدان باوندی است و به نقل سینه به سینه این دو گنبد نیز در حدود صد متر آن طرف مقابر اسپهبدان و در اول کوچه آقا سید اسماعیل عمادیان بوده است. پارهای از سیاحان خارجی در ساری هفت گنبد دیده‌اند که چندی از آنها نیمه ویران بوده است.^۹

گنبد حسام الدوله

در شهر ساری

مشهور است که در ساری گنبد حسام الدوله برقرار بود. مغفور آقا محمد شاه دو سه توب به گنبد زد خراب نشد تا اینکه چهل سال قبل از این (سال ۱۲۳۵ قمری) محمد قلی میرزا ملک آرا آن را خراب نمود و اکثر بناهای عمارت ساری آجر گنبد حسام الدوله است.

زمانی که گنبد حسام الدوله برقرار بود، دایم الاوقات باد زیادی در شهرساری می وزید. بعد از خراب نمودن گنبد موقوف شده است.^{۱۰}

اگر منظور از این حسام الدوله، حسام الدوله شهریار باشد کاخی در «سکارو»

۷- نسخه عکسی ملگنوف ص ۶۱ الف.

۸- سفرنامه استراباد و مازندران ص ۹۸.

۹- تاریخ مازندران ج ۱ ص ۲۲۳.

۱۰- سفرنامه استراباد و مازندران ص ۹۷.

داشته است. در تاریخ منتسب به ابن اسفندیار چنین آمده است:

در سکارو خانگاہه حسام الدوله شهریار برادر کهن اسپهبد است
و در این وقت (۶۰۶ قمری^{۱۱}) خانگاہه حسام الدوله گویند.^{۱۲}

گاو پوستی

مدرسه ودخمه اسپهبدان باوندی در ساری

گور اسپهبد علاء الدوله علی در باغ گاو پوستی است در تاریخ طبرستان منسوب
به حسن بن اسفندیار آمده است:

گاو پوستی در ساری باغی بود. اسپهبد علاء الدوله علی را در آنجا
به خاک سپردند و فعلا مدرسه و دخمه ایشان آنجاست.^{۱۳}

نصیر الدوله شاه غازی رستم بن علی که در باغ قصر اسپهبد حسام الدوله شهریار
بن قازن جان بداد، جسد او را در باغ این محل به خاک سپردند.^{۱۴} در جای دیگر همین
کتاب می نویسد:

اسپهبد شاه غازی رستم در دیه زینوان یک فرسنگی ساری فوت
شد^{۱۵} تابوت او را به مدرسه ای که مرقد علاء الدوله علی بود آوردند و دفن
کردند.^{۱۶} در سال ۵۵۸ قمری.

و در جای دیگر درباره نحوه قتل شاه غازی می نویسد:

اصفهد شاه غازی در صحرای ولیکان، میان راه ساری به آمل

به دست دو ملحد که سرباز او بودند کشته شد.^{۱۷}

درباره مرقد گرده بازو در همین کتاب آمده است:

جسد گرده بازو را پهلوی شاه غازی رستم دفن کردند.^{۱۸}

۱۱- تاریخ ۶۰۶ تألیف مجلد اول تاریخ طبرستان است.

۱۲- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۵۸. ۱۳- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۸۰.

۱۳- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۸۰. ۱۴- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۰۵.

۱۵- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۰۶. ۱۶- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۶۸.

۱۸- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۱۷.

در تاریخ طبرستان منسوب به حسن بن اسفندیار چنین آمده است:

پس از مخالفت ملاحظه با اسپهبدان، طغان شاه لشکر کشید و به
ترشیز و تون و قاین شد و دمار از اهل آن دیار بر آورد و از سرهای ملاحظه
مناره ها ساخت و از جمله ارمغانی پیش شاه اردشیر بیتی از برنج دمشقی و
نقره کوفته صد من زیادت فرستاد و سالها آن بت در آستانه مدرسه شادغازی
به محله گاو پوستی کشته نهاده بود^{۱۹}. صوتاش به ساری آمد. آن مدرسه
بسوختند و آن بت به غارت برد.^{۲۰}

در سفرنامه یکی از همراهان درن که در سال ۱۲۷۵ ه. ق. نوشته چنین آمده است:

مقبره شاه غازی رستم الان (۱۲۷۵ ه. ق) برقرار می باشد.^{۲۱}

مهجوری درباره دخمه خاندان باوندیان چنین نوشته است:

اسپهبد شهریار حسام الدوله که مؤسس سلسله باوندیان اسپهبدی
است در مقر پادشاهی خود - شهرساری - متصل به باغ خود، مدرسه ای
ساخت و در کنار مدرسه و گوشه باغ، دخمه ای بنا کرد که جنازه او و جانشینانش
همه آنجا مدفون بسودند. محل آرامگاه ایشان در آن روزگار، معروف به
«گاو پوستی» بود و امروز به «شاه غازی» نام پنجمین پادشاه آن خاندان
مشهور است. محل دقیق این مسجد و دخمه را چنین می توان تعیین کرد.
شهرساری از اول خیابان دروازه بابل و محل دبیرستان پهلوی به خط مستقیم
تا آخر دروازه گرگان، دارای سه میدان است. از میدان دوم (میدان ساعت
سابق) به سوی دروازه گرگان، در فاصله تقریبی سیصد متر، آرامگاه این
خاندان است. این دخمه دارای حیاط و بنای وسیعی بود به مساحت یک

۱۹- معنی کشته روشن نشد. ۲۰- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۴۵ و ۱۴۶. در جای

دیگر همین کتاب درباره برانداختن رسم کوزه گازروزه زر گوید: ولنت آنکه باز جای
نهد، برلتها فرمود کند و بر در مقصوده مسجد جامع در کشته هنوز نهاده (تاریخ طبرستان

ج ۲ ص ۱۰۵). ۲۱- سفرنامه استرآباد و مازندران نسخه خطی ص ۹۹.

باغ معمولی و دازای گنبدی بود محکم به بلندی دوپست پا یا بیشتر که به فرمان محمدشاه قاجار ویران شد. اما ویرانی آن به آسانی صورت نگرفت زیرا اسپهبدان دربناي آن سخت دقت کرده بودند. مأموران چون باآلات و ابزار معمولی نتوانستند آن را تسطیح کنند، ناچار به توپ بستند. پس از نابودی گنبد، حیاط محقر و اطاق و مقبره آن به نام «شاه غازی» باقی بود و مردم عامی آن را زیارت می کردند تا در سال ۱۳۰۹ شمسی به امر رضاخان، خیابانهای فعلی ساری احداث شد. اکنون قسمتی از محوطه مقبره در محل دکان قرار گرفت در قسمت شمال خیابان و این دکان در ردیف ساختمان هلال احمر، نرسیده به مسجد امام غازی در ردیف برابر قرار دارد.^{۲۲}

قصر حسام الدوله اردشیر باوندی
در دولت آباء = اترابن ۲۲ ساری

در تاریخ طبرستان منسوب به حسن بن اسفندیار آمده است:

اما به دولت آباد که اترابن گویند صدگری زمین سرای او بود. ده من زرطلای بر صورتهای آن سرای به قلم شرح داده بود و از پهلوی آن در زیر زمین ده گام فرو بایست شد. حوضخانه ای ساخته بود که «بادخانه» گفتند، سر به عیوق رسانیده، چهار صفت و تابخانه و بارگاه و مبرزی به خلاف از این طول سی ارش و عرض هشت ارش، همه خشتهای آن پیروزه و حوضی هشت ارش در هشت ارش زیر زمین و آب از دهان شیری زرین در

۲۲- تاریخ مازندران ج ۱ ص ۲۲۳ و در همین مجلد صفحات ۱۸۴ و ۲۱۰ از این دخمه یاد شده است. ۲۳- به دولت آباد که اترابن خوانند (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۲۲ ص ۱۲) میدانی به نام اترابن نیز در ساری بوده است صاحب تاریخ طبرستان می نویسد: «چون سال اصفهید شاه غازی به شصت رسید جمله لشکر را به ساری خود و به میدان اترابن عرض داد (تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۰۵ س ۱۰ و اندوین ص ۶۸).

میان حوض بیرون می آمد و در تابستان حصیرهای بغدادی و پیروزهای اکسون سیاه فرش این صفتها و تابخانهها ساختندی و به هر صفت بادبزن کتان گلاب بر او افشانده بسته بود و فراشان موکل بر آن خدمت.

و بر یک جانب دیگر آن قصر باغی که رشک سغد سمرقند و غوطه دمشق بود و ریاحین و اشجار و ثمار او نمونه ارم کرده. و در میان آن باغ بر سر زمین چهار صفت و تابخانه سده، بام بر بام ساخته که بی نظیر چون خورنق و سدیر بود و بر او صفت صورت کین افراسیاب از اول تا آخر به طللی نقش کرده و حوض آب در میان و جمله طیور از طاوس و تدر و کبوتر و بلبل و قمری و فاخته و طوطی و تیهو و کارد کباب و طبق و هر چه اندیشه برسد در آن باغ و انباری از غله و علف ایشان را معد و مردی برای خدمت ایشان نصب کرده.

و در مقابل سرای از آن جانب میدان چهار صدگری زمین باغی دیگر ساخته از انواع درختان میوه در او نشانده و نیشکر و خویید و بنفشه و شنبلید و گل نسترن در یک جانب او کشته و از جانبی دیگر حمی الوحش گردانیده از گوزن و آهو و خرگوش و گور و زرافه و شتر مرغ دراو کرده و طعمه ایشان مرتب می دارد.

و در میان این باغ دریا هکی کرده از هر جانب تیر پر تاب و از میان آن عمارتی ریخته ساخته مقدرده نیزه بالا و آب گرداگرد او بر آمده و انواع ماهی و مرغان آبی را در آنجا وطن و آرام داده و پولی ساخته که هر وقت شاه را خلوت آرزو بودی بدان باغ، در آنجا شدی و پول به زنجیر بر کشیدندی آن را که فرمان او بسودی پول نهادندی و درون راه داده و دیگر باره پول بر کشیده. و بر سر آن عمارت صفت و تابخانه و مبرزی ساخته وزیر آن فراشخانه و شرابخانه ... و به مقام دولت آباد خدم و حواشی او چندان خانهها و عمارت ساخته که از پول محمد سپندی تا به پاریسی خندق بالای علیا بادخانه و سرای

به همدیگر متصل بود و دوازده درگرماده بود که هر کس به جهت خویش بنیاد نهاده بودند و عمارت کرده و هنوز تمام نبود زحمت مردم را.^{۲۴}

قصر اسپهبدان و اثرسرای اسپهبدفرخان و اسپهبد خورشید در تردوینی نزدیک تیزنه رود (= تچن)

در زمان ابن اسفندیار (۶۰۶ ه . ق .) کساخهای اسپهبد فرخان و اسپهبد خورشید خراب و به تلی تبدیل شده بود ، زیرا کلمه « دوین » و « دین » و « دون » به معنی پشته و تپه است و جای کاخهای آنان را « تردوینی » می گفته اند . ابن تپه در « تئیر » بوده و تئیر نزدیک اترب^{۲۵} و تیزنه رود در حد فاصل میان حومه ساری و اترب است .

این قصر که ظاهر آ بنای قدیمی آن قبل از اسلام بوده است ، به دست اعراب خراب می شود . ابن اسفندیار می نویسد :

عمارت قصر اسپهبدان را پس از خرابی اعراب ، داذمهر کرد .^{۲۶} و همو در جای دیگر می نویسد :

اسپهبد خورشید بن داذمهر بن فرخان بزرگ برای بار سوم در موضع اسپهبدان قصر را عمارت کرد و چهارصدگری زمین که « کیسه » می گویند بدان افزود .^{۲۷}

در جای دیگر گوید .

۲۴- در تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۲۲ و ۱۲۳ . در دولت آباد امروز که نزدیک دهکده لیمون و آخورد و بندارخیم در شمال ساری است تپه هائی به نام « سنگر » است که دهکده های لیمون و دولت آباد بر آنها ساخته شده . احتمال می رود خرابه های کاخ و تأسیسات حسام الدوله اردشیر باوندی باشد . والله اعلم
۲۵- اترب راگرد آوردندگان فرهنگ جغرافیائی ایران بی سبب و علت با طاء مؤلف به شکل « اطرب » ضبط کرده اند . ۲۶- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۶۵ .
۲۷- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۷۲ .

دختر فرخان بزرگترین زن اسپهبد در اسپهبدان نشستی .^{۲۸}

همو گوید .

خورشید بن داذمهر را خانه به اسپهبدان بود .^{۲۹}

ابن اسفندیار در جای دیگر کتاب خود جای قصر اسپهبدان را روشنتر توضیح می دهد و می نویسد :

آنجا که تئیر است ، زیر تر دوینی ماند^{۳۰} که اثر سرای اسپهبد فرخان و خورشید است ، در تیزنه رود^{۳۱} یا میان رود^{۳۲}

قصر دادقان

ابن اسفندیار (۶۰۶ قمری) درباره این قصر می نویسد :

قصر دادقان ، پدر خورشید بنیاد نهاد و نیمه راه تیمشه و ساری است .^{۳۳}

قصر یزدان آباد

در دهکده یزدان آباد که در زمان ابن اسفندیار (۶۰۶ ه . ق .) کنار دریا بوده است ، اسپهبد خورشید بن داذمهر ، برای ورمجه هرویه یکی از همسرانش - قصری رفیع ساخت^{۳۴}

قلعه توجی

از دژهای معروف ساری ، دژ توجی است . میرظهیرالدین می نویسد که « محل قلعه در بعضی از مواضع ساری است . » این دژ مدت ها در دست کیان جلالی بود و در قیام سادات مرعشی این دژ در تصرف کیا و شتاسف جلالی بوده است^{۳۵} میر-

۲۸- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۹۳ . ۲۹- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۹۳ .
۳۰- یعنی تپه مانندی است . ۳۱- تیزنه رود در اصل با طاء مؤلف ضبط شده است .
۳۲- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۵۸ . ۳۳- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۷۱ .
۳۴- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۷۲ . ۳۵- تاریخ طبرستان وردیان و مازندران ص ۲۶۰ . احتمال می رود سیاتپه در شمال داذمهر کنده (داذمیر کنده امروز) که اکنون نیز کنار دریاست با یکی دو تپه ای که نزدیک آن است خرابه های کاخ ورمجه هرویه باشد . والله اعلم

ظهیرالدین در جای دیگری می‌نویسد :

قلعه توجی را پس از فتح به دست سادات ، میرقوام‌الدین فرمود تا قلعه را بشکافتند و بازمین هموار کردند و مدتی همچنین خراب بود . باز نوبتی دیگر آبادان کردند و تا واقعه ماهانه سربه جای خود آبادان بوده است و بعد از آن خراب کردند و در عهد ایالت و سلطنت سید علی بن سید کمال‌الدین بنیاد عمارت کرده بودند ، اما تمام نکرده بودند و اکنون (۸۸۱ هـ . ق)

همچنان خراب است . ۲۶

همو در جای دیگر از کتاب خود می‌نویسد :

توجی نام قریه‌ای نیز هست و قلعه توجی در این ده بوده است . ۲۷

توجی بقعه ایست از ولایت ساری . ۲۸

و در صفحه ۲۶۶ تاریخ طبرستان و رویان و مازندران باز نام این قلعه سه میان می‌آید . شاید قلعه توجی با سابقه قدیمی که دارد قلعه‌ای بوده که بدست سلطان محمود غزنوی گشوده شده است . داستان این فتح از این قرار است :

در سال ۴۲۶ قمری سلطان محمود غزنوی از راه گرگان روانه طبرستان شد و صدمات زیاد به مردم کبود جامه و پنجاه هزار (پنجهزاره) وارد ساخت و هنگام فتح قلعه‌ای نزدیک ساری ، قتل و غارت و حشیانه‌ای کرد که تاریخ نظیر آن را بیاد ندارد بیهقی درباره این جنگ چنین می‌نویسد .

بوالحسن حکایت کرد بونصر مشکان را که آنجا بسیار غارت

و بیرحمی رفت و مرا چاره نیست از باز نمودن چنین حالها ۲۹

ظاهراً قلعه‌ای را که تیمور پس از فتح ماهانه سروبازگشت به سمرقند در مسیر

۳۶- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۶۹ . ۳۷- همین کتاب ص ۲۶۱ .

۳۸- همین کتاب ص ۲۰۴ . ۳۹- تاریخ بیهقی چاپ دکتر غنی و دکتر فیاض ص ۴۵۴ .

خود نزدیک ساری دیده و پسندیده و از خراب کردن آن چشم پوشیده است همین قلعه توجی است . ولی تیمور بفرمود تا بکاوود و هر کجا گنجی سراغ کردند، بیرون آرند . بسا دفینه‌ها که پیدا نشد و پس از آنهم مرعشیان جای آنها را گم کردند. اما چاه آبی را کاوش کردند و مسینه آلات یافتند و ندانستند که در زیر خاک پایین‌تر از آنها گنجی نهفته است . سادات مرعشی پس از بازگشت از ماوراءالنهر آن را کردند هر چه بود برداشتند . از آن گنج حصه سید نصیرالدین - پدر سید ظهیرالدین مرعشی سی من نقره بود . ۴۰ سادات پس از مراجعت از ماوراءالنهر در این قلعه بماندند. ۴۱

قلعه اژدارکله

محمدحسن خان اعتماد السلطنه به نقل از عالم آرای عباسی سوانح سال ۱۰۰۵ از این قلعه نام می‌برد که در ساری بوده است ۴۲ در متن عالم آرای یک جا نام این قلعه « اژدارکله » آمده و صریحاً می‌گوید که در ساری است . ۴۳

در تاریخ گیتی‌گشا ذکری از قلعه ساری است که در دست شیخ ویس خان است ظاهراً قابل تطبیق با « اژدارکله » است . ۴۴

نام این قلعه شباهت زیاد به « آزادگله » دارد که امامزاده عباس در اراضی آن بنا شده فعلاً بایشرف شهر داخل شهرساری شده است . ملگنوف می‌نویسد :

قلعه شهرساری را در سال ۱۱۹۳ هـ . ق . محمد شاه (منظور آقا

محمد خان قاجار) ساخت .

احتمال می‌رود که آقا محمد خان دستی به سر و گوش قلعه کشیده و آن را تعمیر و مرمت کرده است . ۴۵

۴۰- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص . ۴۱- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران

ص ۳۱۹ . ۴۲- التدوین ص ۱۰۳ . ۴۳- عالم آرای ج ۱ ص ۵۲۰ .

۴۴- تاریخ گیتی‌گشا ص ۲۵۱ ۴۵- نسخه عکسی ملگنوف ص ۹۳ الف.

امامزاده عبدالله بن موسی بن جعفر علیه السلام

حاجی زین العابدین شیروانی از این امامزاده در جیب ۱۳۱۵ هـ . ق . نام می برد و می نویسد در محله امامزاده عبدالله ساری است .^{۴۶} ملگنوف نیز از امامزاده و محله ای که در آن بوده است یاد کرده ،^{۴۷} از امامزاده امروز نشانی نیست و اراضی آن کارخانه برق ساری شده است .

مسلحه اورازباد

بالای پول تیجنه رود

نخستین حاکم عرب در طبرستان ابوالخصیب بود. پس از او بوخزیمه و پس از او ابوالعباس طوسی. ابوالعباس در طبرستان مسالح نهاد. سیزدهمین از حد همیشه «مسلحه اورازباد» بود بالای پل تیجنه رود. پاسداران این دژ مظفر بن الحکم بشری با پانصد مردی طوسی بودند.^{۴۸}

قدیمی ترین پل تجن

خلیفه المعتز بالله، موسی بن بغا و مفلح را با لشکر به طبرستان فرستاد. ایشان پس از جنگ در قزوین، بهری و قومش و گرگان رفتند و لشکرگاه ساختند. مفلح در مقدمه به اندرون تمیسه رفت. حسن محمد عقیقی با لشکر خویش در ساری بود. مفلح در اوبتاخت. عقیقی بر سر پل ساری ایستاده بود تا بیاورد و بازگشت. مفلح به ساری آمد و سه روز در آنجا بماند.^{۴۹}

(راه لاکش (جاده سراسری)

ابن اسفندیار درباره این راه می نویسد:

اول کسی که بر طبرستان راه لاکش پدید کرد، از پریم تا ساری و

۴۶- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۵۰ . ۴۷- عکسی ملگنوف ص ۹۳ الف .

۴۸- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۷۹ . ۴۹- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۲۴۳ و ۲۴۴ .

از ساری تا گرگان و دنیا جار، اسپهبد شروین بود.^{۵۰}

قصر اسپهبد حسام الدوله شهریار بن قارن
در ساری

این قصر که نجم الدوله آن را تمام کرده است در شهر ساری بوده و اطراف آن باغ بوده است. نصیر الدوله شاه غازی رستم بن علی به قولی به درباغ این قصر جان به جان آفرین تسلیم کرد.^{۵۱}

میدان سبز

در شهر ساری

ظاهراً همان «سبزه میدان» است که نویسنده تاریخ خاندان مرعشی محل آن را خارج شهر ساری نوشته است.^{۵۲}

میدان شهر ساری

از میدانهای قدیمی این شهر است.^{۵۳}

محل مسجد زنگو

از محلات قدیمی ساری

مؤلف تاریخ طبرستان درباره این محله می نویسد:

در ساری به محله مسجد زنگو يك بار اصفهید شاه غازی را ملحدی

کاردی یزد و جان به سلامت برد.^{۵۴}

از مسجد زنگو امروز نشانی برجای نیست.

۵۰- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۵۶ . ۵۱- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۸۰ .

۵۲- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۱۶۱ . ۵۳- همین کتاب ص ۲۸۷ .

۵۴- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۶۸ .

خانقاه و گنبد دلارام
در شهر ساری

در تاریخ طبرستان منتسب به ابن اسفندیار آمده است:

به شهر آمل والئی بود از قبل سلطان که او را استاد عمید گفتند و نام او پنا خسرو بود و از فرزندان خسرو پرویز بود، عالم و اهل و معروف. کنیزکی داشت او را «دلارام» گفتند. اصفهید علاء الدوله پیش او فرستاد که کنیزك به من بفروش. استاد عمید گفت «فروختنی نیست.» اصفهید از ساری برنشست. روز را به آمل به مصلی بود. پنجاه سوار به خانه او در فرستاد و کنیزك را بیرون فرمود آورد و با ساری برد. اصفهید با آن کنیزك میلی بود و پیش از وی درگذشت آن کنیزك را به مجله‌ها، در مقابل سرای شهرستان و گرمابه‌ای که بدو منسوب است خانقاهی فرمود کرد و گنبدی و اوقاف بسیار و او را آنجا بنهاد تا بعد از آنکه مؤید ساری بسوخت عمارت خانقاه برجای بود. این ساعت (در حدود سال ۷۰۰) گنبد معمور و برقرار ایستاده و دلارام آنجا نهاده.^{۵۵}

خانقاه و گنبد زاهد خاتون
در محله قراکوی ساری

در تاریخ طبرستان منسوب به ابن اسفندیار چنین آمده است:

ملک زاهده خاتون - خاتون سلجوقی - که در خانه اصفهید شاه‌غازی بود به اصفهان رفته بود، آنجا بیمار گشت و وصیت کرد و گفت «کابین بر اصفهید حلال کردم. آنچه به ما زندان است و آنچه از من بمانده است، از بهر من سرائی بخرد و گور من آنجا بنهد و آنجا خانقاه کند.» چنانکه او فرمود بکردند و املاک اصفهان بر آنجا وقف کرد و بزرگان را آزاد کرد

و از همه حلالی بخواست و پیش اصفهید نامه نوشت و در آن نامه گفت که مرا حلال کن که من نیز ترا حلال کردم و بدرود باش با جاودانه و مابقی مال که بماند به درویشان داد و او درگذشت. چون نامه او به اصفهید رسید دلنگش شد و بسیار بگریست گفت «سادام در زحمت ما بود و از ما هیچ نیکوئی ندید.» او زنی عقیفه و زاهده بود. چنانکه به لقب زاهده خاتون گفتند و در شهر یاره کوه بسیار خیرات کرده است و در شهر ساری خانقاهی فرمود ساخت در محله قراکوی که ملک او بود.^{۵۶}

منار کهنه

در ساری

سید ظهیرالدین درباره این منار مطالب زیر را نوشته است:

ساری دوسه نوبت خراب شد. چون نوبت ریاست به جلالیان رسید، اندک عمارت ساخته بودند. اکثر شهر قدیم خراب بود. چنانکه در پای منار کهنه که الحال هده (۸۸۱ قمری) بعضی از آن باقی است. در آن حین مردم مسن بودند که می‌گفتند که ما اینجا بیشه و جنگل دیدیم که شکار می‌کردند و گوزن و خوک می‌کشتند.^{۵۷}

سرای سلیمان بن عبدالله طاهر

در ساری

ابن اسفندیار درباره این سرای می‌نویسد:

به سرای سلیمان بن عبدالله طاهر به ساری حوضی آب بود، دویست هزار درهم در او ریخته، حسن زید را معلوم کردند (در سنه ۲۵۲ قمری)

برداشتند و به لشکر دادند.^{۵۸}

سرای اسپهبد فرخان
در ساری

در جنگی که میان یزید بن مهلب و اسپهبد فرخان روی داد اسپهبد در دامن کوه موازی با مسیر یزید در جلگه حرکت می کرد تا یزید به سرای او در ساری در آمد. پسر اسپهبد پدر را دل داد تا پدر ایستادگی کرد و یزید را بشکست.^{۵۹}

گور بوالقاسم نانچین از سران درگاه
و شمشیر بن زیار در ساری

حسن بن اسفندیار می نویسد:

بوالقاسم نانچین در رمضان سنه ۳۲۴ در میدان گوی زد، اسب خطا کرد، بیفتاد و بمرد. از گرگان به تابوت در نهاده به ساری آوردند و دفن کردند.^{۶۰}

گور سرخاب بن رستم
در ساری

حسن بن اسفندیار درباره محل گور او گوید:

گور سرخاب بن رستم در ساری آنجا که قصر طوس گویند است.^{۶۱}

گور سندی بن شاهک
در بانصری مشهد ساری

حسن بن اسفندیار این گور را دیده و درباره آن نوشته است:

گور سندی بن شاهک در ساری است آنجا که با نصری مشهد

۵۸- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۲۳۸. ۵۹- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۶۲.

۶۰- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۴۹۵. ۶۱- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۸۲.

گویند و سه روزگار خویش به اول کودکی (در سالهای میان ۵۳۰-۵۵۰) من دیدم. توده ای از خاک و عمارات پست شده بود.

چهار باغ و عمارت میرشمس الدین
در ساری

نویسنده تاریخ خاندان مرعشی درباره این چهار باغ و عمارت نوشته است: میرشمس الدین در ساری طرح چهار باغ انداخته، در وسط حقیقی آن عمارت عالی بنا نهاد، به اندک زمانی به اتمام رسانید. فرمود تا مصوری صورت جنگ گاه گیلان و سپاه خود را آنجا مصور ساختند، چنانچه بعینه رزمگاه مشاهده می افتاد. از اطراف و اکناف مردم به تفرج و تماشای آمدند. در ساعت سعد فرشهای ملون و قالیه های ابریشمین گسترده، طوی عظیم ترتیب دادند، سه روز جشن نموده، روز اول فروش و ظروف را جمیع به حضار مجلس بخشید. روز دیگر اسباب مجدد گسترانیده، به دستور سابق در آخر مجلس به آقا خضر چارمانی عطا فرمود. روز سوم که به اسباب تازه عمارت را آراستند و زینت از آن دوروز زیاده کردند به غضنفر شیخ نامزد فرمود. غضنفر مزبور مردم را از دخول در عمارت مانع آمد. میرشمس الدین از سبب منع از او استفسار نمود. به عرض رسانید که حضرت خداوندی جمیع اسباب را به بنده کرم فرمودند و من راضی نیستم که این جمع کثیر، اموال مرا در تحت قدم آورده استعمال ظروف و غیره نمایند. اگر حضرت عالی را اراده آن باشد که ایشان به دخول مرخص شوند جمیع اثاث- البیت را از این غلام خریداری نموده، قیمت آن را از سر کار تسلیم بنده نمایند. بعد از آن مختارند.

میرشمس الدین از این قول متبسم گشته، فرمود از خزانه قیمت آنها را تسلیم او نمودند و اهل مجلس داخل شده، هر کس به جای خود بنشستند و به صحبت مشغول گشتند.

غرض در آن عمارت دلکش به عیش خوش گذرانید و آن عمارت تا زمان میرسلطان-

مراد موجود بود.^{۶۲}

باغ شاه عباس
در شهر ساری

در سفرنامه مورخ ۱۲۷۵ ه. ق. آمده است:

باغ شاه عباس که در شهر می باشد درخت مرکبات و سرو دارد ولیکن بی در-
و دربان افتاده است.^{۶۳} (عکس شماره ۲۵۱)

در سال ۱۲۹۲ ناصرالدین شاه از این باغ دیدن کرده و درباره آن نوشته است:

دوشنبه پانزدهم شوال عصری سوار شده، از خیابان معروف به فرح آباد به
باغ شاه عباس رفتیم. عضدالملک همراه بود از در پایین باغ سمت شهر
وارد شدیم. دیواری محکم دور باغ و کلاه فرنگی چوبی (عکس شماره ۲۵۲)
مشابه کلاه فرنگی ملک آرائی در وسط ساخته شده. سفراول که اینجا آمده
بودیم دور این باغ که از مستحذات شاه عباس مرحوم و خراب و ویران بود
دیوارنداشت حکم شد دیواری دورا دورش کشیدند. در سردر کلاه فرنگی
ساختند که حالا تمام است. در این باغ اشجار سرو (عکس شماره ۲۵۳) و
نارنج کهن بیحد است (عکس شماره ۲۵۵). هر درخت نارنج زیاده از ده
هزار نارنج می دهد. چون اطبا منع از میوه و ترشی کرده اند هیچ چیز صرف
نشد. گردش بی مزه ای بود مثل شخص روزه دار بودم. در کلاه فرنگی قدری
راحت نموده، نماز کرده، بعد رفتم روبرو شهر^{۶۴} عمارتی دورویه از قدیم در
این باغ است. (عکس شماره ۲۵۵)

معصوم علیشاه در رجب ۱۳۱۵ قمری این باغ را دیده است و درباره آن

۶۲ - تاریخ خاندان مرعشی ص ۵۵. ۶۳ - سفرنامه استرآباد و مازندران یکی از
همراهان درن ص ۹۵. ۶۴ - سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از مازندران مهجوری

ج ۲ ص ۱۹۰ و ۱۹۱

می نویسد که راه شاه عباسی از پشت این باغ می گذرد.^{۶۵}

در سال ۱۲۹۲ قمری به دستور ناصرالدین عمارات صفوی در شهر ساری تعمیر و
مرمت شده است مرحوم محمد حسن خان اعتماد السلطنه می نویسد:
تعمیر و تجدید عمارات و ابنیه صفویه در شهر ساریه به دست جناب علیرضا
خان عضدالملک در سنه هزار و دو بیست و نود و دو هجری مطابق سال بیست و
نهم قمری از جلوس همایون ناصرالدین شاه^{۶۶}.

باغ سلبید

در مغرب شهر ساری

میر تیمور مرعشی از باغی به نام «سلبید» در مغرب ساری یاد می کند. اثری از آن
بر جای نیست.^{۶۷}

باغ محمدقلی میرزا ملک آرا

بیرون شهر ساری در طرف جنوب^{۶۸}

در سفرنامه ای که یکی از همراهان درن تنظیم کرده است چنین آمده است:

ملک آرا باغی بنانهاده است که (دارای) عمارت اندرونی و بیرونی
و در وسط کلاه فرنگی و اشجار مرکبات و درخت سرو بسیار و آب روان
می باشد. هر گاه تعمیر نشود خرابه خواهد شد.^{۶۹}

ناصرالدین شاه در سفر اول در ذیحجه سال ۱۲۸۲ ه. ق. در ساری وارد باغ
ملک آرا شد درباره این باغ می نویسد: «بیرون شهر ساری این باغ مملو از درختان سرو
و نارنج و مرکبات است و مرکبات بر روی درختان جلوه می کنند.» ناصرالدین شاه

۶۵ - طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۵۳. ۶۶ - المآثر و الآثار ص ۷۶. ۶۷ - تاریخ
خاندان مرعشی ص ۳۰۳. ۶۸ - مهجوری نوشته است که باغ مرحوم ملک آرا بیرون
خندق شهر ساری در محل سر بازخانه کتونی بوده است (تاریخ مازندران ج ۲ ص ۱۷۸)
۶۹ - سفرنامه استرآباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ص ۹۵.

تا دوازدهم ذیحجه در این باغ مانده است.^{۷۰}

کلاه فرنگی چوبی در وسط باغ

ناصرالدین شاه در سفرنامه مازندران می نویسد :

در کلاه فرنگی چوبی وسط باغ که ملک آرای مرحوم ولد خاقان مغفور (فتحعلی شاه) بنا کرده است منزل نمودیم. صبح رفتم عمارت اندرونی این باغ را گردش کردم. دریاچه بزرگ و برج مسکونی خوب دارد. بالای برج رفته، شهر و اطراف را با دوربین تماشا کردم. دوشنبه پانزدهم شوال در

باغ ساری ماندیم.^{۷۱}

این باغ پس از آنکه تعمیراتی در آن به دستور ناصرالدین شاه انجام شد، به «باغ ناصری» معروف شد. معصوم علیشاه در رجب سال ۱۳۱۵ ه. ق. این مطالب را درباره باغ ناصری نوشته است:

درختان سرو و نارنج و عمارات از ملک آرای مرحوم است و بعضی تصرفات تازه در آن نموده اند و به آن اسم خوانده اند جائی با روح و با صفاست و بسیار مخارج آن شده ولی افسوس عمارت در شرف انهدام و انعدام و باغ به دست زاغ و گله را راعی و شبان گری است.

دیوانخانه شهرساری

در سفرنامه یکی از همراهان درن درباره دیوانخانه شهرساری مطالب زیر نوشته شده است:

دیوانخانه شهرساری از بناهای آقا محمدخان است یک درخت خرما بزرگ دارد که حاصل می آورد، دانه دارو شیرین نمی باشد و چهار درخت چنار و دو درخت سرو و درخت مرکبات و حوض آب دارد و عمارت اندرونی از بناهای ملک آراست و قلعه و چهار دروازه داشت که الآن خراب

۷۰- تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۰. ۷۱- سفرنامه مازندران ناصرالدین

شاه سال ۱۲۹۲ به نقل از تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۰. ۷۲- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۴۹.

است.^{۷۳} (عکس شماره ۲۵۶)

در سال ۱۲۹۲، علمای شهرساری در همین عمارت دیوانخانه به خدمت ناصرالدین شاه رسیده اند، او در این باره می نویسد :

چهارشنبه هفدهم شوال ۱۲۹۲ عصر باید به شهر رفت، عمارات دیوانی را بینم. سه ساعت به غروب مانده رفتم به دیوانخانه حکومتی، علمای شهر تماماً در تالار دیوانخانه حاضر بودند.^{۷۴}

معصوم علیشاه در رجب سال ۱۳۱۵ قمری درباره عمارات و باغ حکومتی در ساری می نویسد «قدری از مرحوم آقا محمدخان قاجار ولی بیشتر از مرحوم محمدقلی میرزای ملک آراست.^{۷۵} (عکس شماره ۲۵۷) ملک آرا پسر فتحعلی شاه است که در سال ۱۲۶۴ قمری در همدان فوت شد.^{۷۶}

تعمیر عمارت دیوانی شهرساری در زمان ناصرالدین شاه

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه جزء بناهای دوران ناصری می نویسد:

تعمیر عمارت دیوانی شهرساری در مازندران در سال سی و سوم از جلوس همایون سال ۱۲۹۶ قمری.^{۷۷}

دیوانخانه ساری در سال ۱۳۳۶

رایینود درباره این دیوانخانه می نویسد «برای رسیدن به دیوانخانه، شخص ابتدا از زیر دروازه باشکوهی که به نقاره خانه اشتها دارد می گذرد. در میان حیاط دو حوض قرار گرفته که یکی بردیگری عمود است و مجموعاً شکل حرف «T» فرنگی را تشکیل می دهد. هنوز آثار نقاشیها و خطوط و مقرنس کاری بر روی دیوارها به خوبی دیده می شود. اما از تزئینات و پیکرنگاریهایی که مخصوصاً فریزر و استوارت قبلاً

۷۳- سفرنامه آستار باد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ص ۹۶. ۷۴- سفرنامه ناصرالدین

شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۱.

۷۵- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۴۸. و در ص ۶۵۲ نام محمدقلی میرزا را محمد علی میرزا

خوانده است. ۷۶- طرائق الحقایق ج ۳ ص ۶۵۲. ۷۷- المآثر و الآثار ص ۷۷.

به چشم دیده و توصیف کرده بودند، اثری برج نمانده است. چهار درخت چنار تنومند و باشکوه در میان حیاط سر بر آسمان بر افراشته است^{۷۸}. ظاهراً اراضی دادگستری فعلی با باغ دیوانی ساری قابل تطبیق است.

باغ شاه ساری در سال ۱۳۲۶ هـ. ق.

رایبند در سال ۱۳۲۶ قمری درباره باغ شاه ساری می نویسد:

در آن سوی میدان، روبروی نقاره خانه، بساغ شاه قرار دارد که سابقاً به باغ ملک آرا مشهور بود. در بزرگ و رودی آنرا چند سال قبل به امر عبداللّه خان سردار ساختند. این قصر دو اشکوب فوقانی دارد و معمولاً در اینجاست که والی مازندران، روزها به انجام امور مربوطه می پردازد. کاخ و استخر زیبایی که شاهزاده ملک آرا ساخته بود، اینک به درجه ای از ویرانی رسیده است که اگر تعمیراتی در آن صورت نگیرد، از میان خواهد رفت. هنگام سفر قبلی به ساری بر اثر تشویق نظام السلطان والی مازندران چند تن از معاریف ایالت به تعمیر و حفظ این آثار تاریخی علاقمند شده بودند. اما همچنانکه کراراً در ایران اتفاق می افتد، والی را به پایتخت احضار کردند و با رفتن وی نیز دیگر کسی اعتنائی به باغ شاه ننمود^{۷۹}.

باغ شاه ساری در زمان ظل السلطان

مسعود میرزا ظل السلطان درباره باغ شاه ساری می نویسد:

این باغ شاه که من دیدم که بیرون دروازه شهر است و بیرون دروازه دولت است و به باغ سلطنتی وصل است، دارای همه نوع بیوتات

۷۸- سفرها و ماجراهائی در کرانه های خزر سال ۱۸۲۶ ص ۴۵۱ و ۴۵۲ به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران آذربایجان ص ۶۸.

۷۹- سفرها و ماجراهائی در کرانه های خزر سال ۱۸۲۶ ص ۴۵۱ و ۴۵۲ به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران آذربایجان ص ۶۸.

و غیره و غیره بوده، ولی تماماً خراب چنانکه قابل سکنا نبود. در عهد حکومت من هم (۱۲۷۸ تا ۱۲۸۲) تعمیر نکردند و گمان نمی کنم بعد از من هم کسی آنجا را تعمیر کرده باشد^{۸۰}.

باغ شاه در زمان دهمرگان

دمرگان اشاره ای به باغ شاه و برکه وسیع آن کرده است^{۸۱}.

مهبجوری درباره محل این باغ می نویسد:

باغ صفویه در قسمت شمال خیابان دروازه گرگان ساری واقع بود، نزدیک میدان مجسمه امروز، اثری از آن برجای نیست. از وسط خیابانی که به فرح آباد می رود و طرفین خیابان در ملکیت اشخاص است^{۸۲}.

قصر آقا محمدخان قاجار در ساری در سال ۱۲۳۸ هـ. ق.

جیمز فریزر در سال ۱۸۲۲ میلادی این قصر را دیده و درباره آن نوشته است:

قصری که آقا محمدخان ساخته است از خارج عظمتی ندارد. (عکس شماره ۲۵۸) اما می گفتند که سابقاً اطاقهای بیشتری داشته است. قسمتهائی را که من دیدم زیاد عالی نبود. دیوانخانه یا قسمت دربار نقاشی و آئینه کاری داشته است. از نقاشیها آثار زیادی باقی نمانده بود. از آئینه کاریها هم قسمتی شکسته و پاره ای بر اثر تعمیر نکردن خراب شده است. یکی از نقاشیها شاه اسماعیل را نشان می داد که فرمانده ینگجری هارا به دو پاره کرده است. این نقاشی، قلم نقاشان ایرانی بود و استادی نقاش را نشان می داد. نقاشی دیگر شاه اسماعیل در مقابل سلطان عثمانی است. سربازانی که به نزاع و کشمکش در این تابلو مشغول هستند، بسیار با روح و ماهرانه است. دیوارهای اطاقها سه تا چهار فوت بالای کف از مرمر تبریز

۸۰- تاریخ سرگذشت مسعودی ص ۸۲. ۸۱- دمرگان ص ۲۱۸.

۸۲- تاریخ مازندران ج ۲ جاشیه ص ۱۹۰.

پوشانده شده است و روی آنها نقشهای گل و بوته است. درباره‌ای از اطاقهای خصوصی که بعداً به من اجازه ورود دادند با همان روش و سلیقه کار شده است. تمام نظیف و خوشنماست. اما شکوه و عظمتی ندارد. ساختمان قصر با دیواری محصور شده بود که تا اندازه‌ای می‌توانست از خود دفاع کند ولی استحکامات منظمی نداشت.

نوشته هولمز و چارلز استوارت درباره قصر آقا محمدخان

از آنچه هولمز در سال ۱۲۶۹ ه. ق. درباره نقاشیهای قصر فرح آباد و چارلز استوارت، هفت هشت سالی پیش از وی درباره پیکرنگاری و تزیینات قصر آقا محمدخان قاجار در ساری نوشته‌اند چنین معلوم می‌شود که با نقاشان اروپائی در تزیین این عمارات دست داشته‌اند، یا پیکرنگاران ایرانی در ترسیم مناظر و مرایا از اصول و قواعد نقاشی فرنگی پیروی می‌کرده‌اند.

استوارت که به سمت دبیر خصوصی سفیر انگلیس - سرهنری الیس^{۸۲} کمتر از یک سال پس از مرگ فتحعلی شاه و جلوس محمدشاه به ایران سفر کرده و به اتفاق دو تن از کارمندان سفارت انگلیس، مازندران را دیده است. در سفرنامه‌اش راجع به ساری چنین می‌نویسد:

ساری مدت مدیدی اقامتگاه آقا محمدخان قاجار بود و هم او در ساری قصری ساخت که اینک ما در آن منزل گرفته‌ایم. قصر آقا محمدخان مانند قصرهای مشابه آن در ایران، مرکب از یک رشته ایوانها و راهروهای سرپوشیده، چندین حیاط با حوض آب و معدودی اطاقهای قشنگ است که اکثر آنها در همین اواخر بر اثر آتش از میان رفته است. (عکس شماره ۲۵۹ و ۲۶۰) سقف عمارت شاهانه آن مزین به نقاشیهای درباره فتوحات شاه اسماعیل و نادرشاه است که آنقدرها هم زشت نقاشی نشده. در روی

83- Sir Henry Ellis.

سه بدنه علیحده، هیاکل سه نفر زن اروپائی ترسیم شده است که ظاهر آبیاید تعلق به قرن هفدهم داشته باشد. از اصالت جزئیات و ریزه کاریهای البسه و توجهی که به مناظر و مرایا شده است، می‌توان استنباط نمود که این نقاشیها باید پرداخته یکی از پیکرنگاران فرنگی باشد^{۸۴}. ملنگنوف درباره قصر آقا محمدخان یا عمارت محمدشاهی می‌نویسد:

عمارت محمدشاهی از عمارات باشکوه بود، در عهد محمد قلی- میرزا [ملك آرا] سوخته، در و دیوار آن باقی است، دیوانخانه است. طاچه های آن مرمی مصور به صورتهای پاکیزه که یکی صورت رزم شاه اسماعیل با پنگچری است و سر آنها را بادست خود در حضور شاه سلیمان جدا کرده. دیگری صورت نادرشاه و سه زن فرنگی است. از کلاه فرنگی آن بجز بنای آجری چیزی برجای نه. عمارتی است نزدیک شهر با حوضخانه‌ای که محمدقلی میرزای حاکم ساخته و آب انبار شاه عباسی نام دارد^{۸۵}. (عکس شماره ۲۶۱)

خزانه نادری در برج قصر آقا محمدخان در ساری

مرحوم محمدحسن خان اعتمادالسلطنه درباره این خزانه می‌نویسد:

آقا محمدخان بعد از آنکه به ایران مسلط شد و به خراسان رفت، شاهرخ - پسر نادر - از مشهد فرار کرد. خزانه نادری که از نقود و جواهر متجاوز از سی و دو تومان ایران بود، به تصرف آقا محمدخان آمد. من جمله پانزده کروور نقد بود. آقا محمدخان در زمان حیات خود جرأت نکرد این خزانها را به طهران بیاورد. در برج عمارت ساری مازندران گذاشته بود.

84- Stuart, Charles: Journal of A Residence in Northern Persia London, p. 266.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران و آذربایجان ص ۳۷.

۸۵- نسخه عکسی ترجمه سفرنامه ملنگنوف ص ۱۶۲ و ص ۱۶۲ الف.

فتحعلی شاه به طهران نقل کرد و در این خزانه که تابحال بود قرارداد و خازن الدوله که از زوجات محترمه فتحعلی شاه بود، بالای خزانه منزل داشت. بعد از فوت فتحعلی شاه، بواسطه دادن وجه خسارت به روس که هشت کرور بود يك دفعه از خزانه داد. خزانه بی پول ماند. محمد شاه خوابگاه خود را بالای خزانه قرارداد. منزل اندرونش آنجا بود. ناصرالدین شاه ده سال تمام همان بالاخانه منزل داشت. بعد که میرزا علی خان حاجب الدوله عمارت خوابگاه اندرون را ساخت، شاه آنجا نقل و تحویل کرد. آن بالاخانه را به صبایای خود داد. روز ۲۲ رجب ۱۲۹۹ قمری این خزانه را به بیرون نقل کردند. در موضعی که چهار طرف او واقعا صحراست^{۸۶}.
ظاهراً این خزانه را به یکی از قزل قلعه‌ها که بیرون تهران ساخته بودند نقل کرده‌اند.

تعمیر عمارت و باغ آقامحمدخان

ناصرالدین شاه که متوجه خرابی قصر و باغ اطراف آن شد، دستور به تعمیر داده است او در این باره می‌نویسد:

چون عمارت و باغ شاه شهید در ساری واقع است و عمارت ملک آرا بسیار با صفا است و بعضی خرابی داشت دستور العمل تعمیر آن به میرزا مسیح محول شد که در تعمیر عمارت و تنقیح باغات و تربیت درختان و مرکبات کمال اهتمام را بنمایند و جمیع خرابی عمارت و خیابان و نقاره خانه و ارگ و غیره را همه تعمیر نمایند^{۸۷}.

احیاء و تجدید باغ شاه شهید

محمدحسن خان اعتماد السلطنه درباره این تعمیر و مرمت می‌نویسد:

۸۶- روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه ص ۱۹۴ و ۱۹۵.
۸۷- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۷۸.

در سال ۱۲۸۴ قمری که سال بیستم جلوس همایون (ناصرالدین شاه) است باغ شاه شهید در ساری احیاء و تجدید شد^{۸۸}.

امامزاده یحیی پسر نهم میر قوام‌الدین مرعشی معروف به امامزاده سلسله در طومار متولیان دوران صفوی صریحاً نوشته است که امامزاده یحیی معروف به «امامزاده سلسله» است و تولیت آن بسا شیخ ابراهیم است. ملا شیخ علی گیلانی از امامزاده‌ای در شهر ساری به نام «امامزاده سلسله» یاد می‌کند ولی ذکر نمی‌کند که همان امامزاده یحیی است. (تاریخ مازندران ص ۵۸)
سید ظهیرالدین می‌نویسد: سید یحیی که پسر نهم میر قوام‌الدین است در ساری مدفون است^{۸۹}. « این مرقد بعدها به نام امامزاده یحیی خوانده شده و پسر امام موسی الکاظم شده است و برادرش حسین و خواهرش سکینه نیز با او در یک جا به خاک سپرده شده‌اند. (عکس شماره ۲۶۲)

کسانی پیش از نگارنده از این امامزاده یاد کرده‌اند از آنهاست ملکنوف^{۹۰} و رابینو که کتیبه پنجره آن را نقل کرده است.^{۹۱} صاحب سفرنامه استرآباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ ه. ق.^{۹۱} نویسنده سفارشنامه انجمن آثار ملی.^{۹۲} مشکوتی که شرح مختصری درباره آن نوشته است^{۹۳} و ثبت تاریخی آن را به شماره ۲۱۱ ضبط کرده است. در کتاب اسامی دهات کشور نیز از این امامزاده یاد کرده‌اند و تاریخ بنای آن را به سال ۷۴۹ دانسته‌اند^{۹۴} کتیبه‌ای که رابینو از آن یاد کرده است به شرح زیر است:
هذه الروضة المباركة الامير الاعظم صاحب الكرامة والولاية و الامامة يحيى بن موسى الكاظم عليه السلام والثاني اخوه حسين بن الامام موسى

۸۸- الآثار والآثار ص ۷۱.

۸۹- تاریخ طبرستان و رویان ص ۴۸۳. ۹۰- نسخه عکسی ملکنوف ص ۶۳ الف.

۹۱- سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو ص ۴۲۲. ۹۲- سفرنامه استرآباد و مازندران ص ۹۶. ۹۳- سفارشنامه انجمن آثار ملی ش ۴۹ ص ۳۹ و ص ۴۰.

۹۴- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی. ۹۵- کتاب اسامی دهات کشور

۱۷۷ و ۱۷۸.

الكاظم عليه السلام والثالث اختهما سكينه بنت الامام موسى الكاظم عليه السلام في احد عشر ربيع الاول سنة ست واربعمين وثمانمانه [عمل استاد حسين و استاد محمد نجار گیل. ۹۶]

مهجوری درباره بنای این امامزاده می نویسد:

گنبد امامزاده یحیی استوانه ایست که قسمت فوقانی آن به شکل هرم است و قندیلی برنجی دارد. در ورودی بقعه از چوب جنگل و منبت کاری است. این بقعه دو جفت در داشت که یک جفت آن به دستور مرحوم علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ آن روز برای اداره باستان شناسی وزارت فرهنگ فرستاده شد. و فعلا موجود است و یک جفت بردیوار گنبد نصب است. درهای مزبور منقوش و بر قسمت فوقانی آن عبارت زیر حک شده است:

فی حادی عشر شهر ربيع الاول سنه ستة و اربعین وثمان مایه عمل استاد حسین و استاد محمد گیل.

درون این بقعه صندوقی مشبک چوبین است و درون آن صندوق دیگری است که عبارت ذیل بر چهار طرف آن حک است:

در قسمت شمالی: امر بعمارة هذه الصندوق المبارک المعظم المنور زین الامجد والا عالی خواجه الحسن بن المرحوم پیر علی الرومی تقبل الله حسناته فی عشر جمادی الاولى سنة تسع و اربعین وثمانمانه کتبه فخر الدین مطهر بن عبدالله الداعی الحسنی الآملی غفر الله لوالدین برحمتک یا ارحم الراحمین .

در قسمت شرقی سطح فوقانی آن آیه الکرسی است و زیر آن عبارات زیر است:

هذه الروضة المبارکة لامیر الاعظم صاحب الکرامة والولاية والامامة یحیی بن امام موسی الكاظم علیهما السلام والثانی اخوه ابن الامام حسین بن

۹۶- سفرنامه مازندران و استرآباد را ببین ص ۲۲۷ ع.

موسی الكاظم والثالث اختهما السکینه بنت الامام موسی الكاظم. اگر چه این صندوق ظاهراً متعلق به امامزاده یحیی و برادرش حسین و خواهرش سکینه است ولی یحیی بن میر قوام الدین نیز باید در اینجا مدفون باشد.^{۹۷}

زاره عکس بنای امامزاده یحیی را به نام ملا مجدالدین خوانده است^{۹۸} در صورتیکه قبر ملا مجدالدین با سلطان رضا دریک بنا و بر سر راه فرح آباد است. هیأت CORPUS در سال ۱۳۰۰ ه. ش (۱۹۶۷ میلادی) از این امامزاده دیدن کرده اند درباره آن می نویسند:

رایینونخستین فرد فرنگیان است که از این امامزاده دیدن کرده است و مطالبی را که در کتیبه در ورودی بوده، چنین خوانده است: ^{۹۹} الاستاد حسین و الاستاد محمد نجار گیل در یازدهم ربيع الاول ۸۴۶. شاید درهای معروف موزه ایران باستان در تهران متعلق به این امامزاده بوده است، زیرا همین نامها و تاریخ بر آنهاست.^{۱۰۰} کتیبه صندوق به زبان عربی است. نام بانی آن خواجه الحسن بن پیر علی الرومی و نام کاتب فخر الدین مطهر بن عبدالله الداعی الآملی و نامهای حسین النجار و الاستاد محمد بن الحسن الجیلانی بر آن دیده می شود. این کار در سال ۸۴۹ به پایان رسیده است. در بیرونی بنای امامزاده تاریخ ندارد. اما خط آن مربوط به زمان مورد بحث

۹۷- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۳۹ و ۳۴۰.

98 - F. Sarre : Denk mÄler Persisch er Baukunst.

۹۹- متن انگلیسی سفرنامه ص ۵۵.

100- Register No 1135/ 3308. C.F. , The art of Islam : Hayward Gallery, 8 April-4 July 1976' Arts Council, London 1979, p. 292, fig. 458.

ماست: عباس شایان قسمتی از کتیبه را نقل کرده است.^{۱۰۱} بر این در نام نجار چنین آمده است: عمل فخرالدین بن استاد علی النجار و بانی آن: صاحب رستم بن نظام. ظاهر آنکه در اصلی را به موزه ایران باستان برده‌اند، این در را بدینجا نقل کرده تا جای خالی را پر کنند.^{۱۰۲}

مطالبی که نگارنده بر این در خوانده بدین شرح است:

بر تنگه پائین لنگه راست:

عمل فخرالدین بن استاد علی نجار (عکس شماره ۲۶۴)

بر تنگه پایین لنگه چپ:

صاحب رستم بن نظام. (عکس شماره ۲۶۵)

صندوق مرقد کنده کاریهای ظریف و خطی بسیار خوش دارد. این عبارات بر آن حک شده است:

امر هذا الصندوق المبارك المعظم المنور زين الامجد والا عالی
خواجه حسن ابن المرحوم پیر علی الرومی تقبل الله حسنة فی عشرين جمادی
الاولی سنة تسع و اربعین وثمانمائه کتبه فخرالدین مطهر بن عبدالله الداعی
الحسنی الآملی غفر الله له و لوالديه عمل استاد حسین النجار و استاد فخرالدین
بن الحسن النجار کیلانی غفر الله^{۱۰۳} عکسهای شماره ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۶۶۹ و
۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵

۱۰۱- مازندران جغرافیای تاریخی و اقتصادی ص ۳۰۱.

102- Corpus, p. 8.

۱۰۳- شماره ثبت امامزاده یحیی (۱۱۳۵/۳۳۰۸) است. برای اطلاع بیشتر در باره این امامزاده نگاه کنید به:

The art of Islam; Hayward Gallery, 8 april-4 july 1979 Arts Council, London 1976, 292 fig. 458.

استاد حسین و استاد فخرالدین ظاهر اهل کیلان دهکده ای زیر دست آب سرد دماوند باید باشند. امروز هم اغلب نجار هستند و اگر نسبت به کیلان باشد در متن عربی باید جیلانی می نوشتند.

بر حواشی بدنه های دیگر سوره مبارکه یس و آیه الکرسی است. صندوق از حدعادی بزرگتر است و جای آن دارد که سه تن در زیر آن به خاک سپرده شده باشند.

بر حاشیه سمت راست بدنه شرقی:

هذه الروضة المبارکة للامیر الاعظم صاحب الکرامه والولایة والامامة

بر حاشیه سمت چپ بدنه شرقی:

یحیی بن الامام المعصوم موسی الکاظم علیهما السلام.

شاهزاده حسین

در محله شاهزاده حسین ساری

بقعه ایست چهار ضلعی با مسجدی متصل به آن. سقف سراسر بنا پلور کشی و پل کوبی است. بام آن سفال سراسر است و می خواستند به ایرانیت تبدیل کنند کنده کاریهای صندوق و در ورودی بقعه از ظرائف هنری است. پهنای هر لنگه در ورودی ۶۰ و بلندی آن ۲۰۴ سانتیمتر است. (عکس شماره ۲۷۶)

بر پاساربالای لنگه راست کلمات زیر است:

صاحب الخیرات جناب سیادت مآب سید (عکس شماره ۲۷۷)

بر پاساربالای لنگه چپ:

اسماعیل ابن سید المرحوم فتح الله النجفی (عکس شماره ۲۷۸)

بر پاسارپایین لنگه سمت راست:

عمل حسین بن استاد احمد ساری (عکس شماره ۲۷۹)

بر پاسارپایین لنگه چپ:

فی التاریخ رجب المرجب سنة تسعین وثمانمائه (عکس شماره ۲۸۰)
صندوقی کنده کاری که چند پاره قاب و گره دارد مرقد را پوشانده است. عکس شماره ۲۸۱ و ۲۸۲) درازای آن ۲۳۸ و پهنای آن ۱۲۰ و بلندی آن ۱۸۰ سانتیمتر است. در حدود ۳۵ سانتیمتر از چهار پایه اصلی صندوق از پایین لخت است و تخته کوبی ندارد.

برای پوشاندن آنها از بیرون نرده مانندی تخته‌ای را که تمام کنده کاری دارد دور گردانده‌اند و چنین می‌نماید که صندوق بر این نرده استوار است. این سبک کارهم در نوع خود بی نظیر است. بر بدنه‌های این صندوق عبارات و آیات زیر حک شده است:

بر حاشیه بالای بدنه شمالی:

بسم الله الرحمن الرحيم يس والقران الحكيم - تا - انا جعلنا
في اعناقهم

بر حاشیه سمت چپ بدنه شمالی:

اغلالا فهي الى الاذقان - تا - ومن خلفهم سدا

بر حاشیه سمت راست بدنه شمالی

فاغشينا هم فهم لا يبصرون - تا - تذرهم لا يؤمنون انما تنذر

بر حاشیه پایین بدنه شمالی:

من اتبع الذكرو خشى الرحمن - تا - اصحاب القرية اذ جاء

بر حاشیه سمت راست بدنه شرقی:

اذ جاءها المرسلون - تا - فكذبوهما فعزز نابطا ث فقالوا انا اليكم

بر حاشیه سمت چپ بدنه شرقی:

مرسلون قالوا ما انتم - تا - ان انتم الا تكذبون قالوا ربنا

بر حاشیه بالای بدنه شرقی:

بسم الله الرحمن الرحيم هذا الصندوق المشهد المرقد الاعظم سلطان حسين

وسلطان محمد جعفر ابن موسى الكاظم (عكس شماره ۲۸۳)

بر حاشیه پایین بدنه شرقی:

بسمي واهتمام اسماعيل بن فتح الله النجفي الحسيني عمل محمد بن

استاد حسين نجار في التاريخ سنة اربع وتسعين وثمانمائة . عكس شماره ۲۸۴

و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸)

بر بدنه جنوبی حاشیه سمت راست از پایین به بالا:

يعلم انا اليكم لمرسلون - تا - انا تطيرنا بكم

بر برنه جنوبی صندوق حاشیه بالا:

لئن لم تنتهوا لئرجمنكم وليمسنكم - تا - يستلکم اجرا وهم

بر حاشیه سمت چپ از بالا به پایین:

مهتدون و مالي لا اعبد - تا - اليه ترجعون اتخذ من دونه الهة

بر حاشیه پایین بدنه جنوبی:

ان يردن الرحمن - تا - وجعلني من المكرمين

بر حاشیه سمت راست بدنه غربی:

وما انزلنا على قومهم - تا - ان كان الا صحبة

بر حاشیه بالای بدنه غربی:

واحدة فاذا هم حامدون - تا - الم يروا كم اهلكتنا

بر حاشیه سمت چپ از بالا به پایین:

قبلهم من القرون - تا - لما جميع لدينا محضرون

بر حاشیه پایین بدنه غربی:

و آية لهم الارض لميته - تا - وجعلنا فيها جنات^{۱۰۴}

دری کند، کاری نیز در شمال بقعه است پهنای هر لنگه آن ۲۴ و بلندی آن ۱۴۶

سانتیمتر است که قسمتی از بالای لنگه چپ آن شکسته شده است.

شاهزاده حسين در سال ۱۳۵۰ ه. ش.

هیأت CORPUS در این سال از شاهزاده حسين دیدن کرده‌اند و درباره آن

چنین اظهار نظر کرده‌اند:

تزیینات زیبا و ظریف آن نظریه‌بینندگان را جلب می‌کند. درها و صندوق کنده.

کاریهای ظریف دارد. درهای این امامزاده را حسين بن استاد احمد ساری در رجب

۸۹۰ ساخته و صندوق آن را محمد بن استاد حسين در سال ۸۹۴ کنده کاری کرده است.

۱۰۴- يس آیات يك تا ۳۳ و قسمتی از آیه ۳۴.

احتمال می‌رود که این محمدپسر استادحسین سابق الذکر باشد. چنانکه رابینو اظهار کرده، این استاد حسین‌کنده کاریهای صندوق بلندامام را نزدیک لمراسک در سال ۸۷۳ نیز انجام داده است. ممکن است در این گفته باز اشکالی در غلط خوانی دو عدد «سبعین» و «تسعين» پیش آمده باشد و امکان دارد سال ۸۹۳ به جای ۸۷۳ سنه دقیقتری باشد. چون عکس دقیقی در دسترس نیست و هیئت هم از بلندامام دیدن نکرد، اظهار نظر قطعی نمی‌توان کرد. نام پدر که استاداحمد ساری است با نام نجاری که در امامزاده قاسم بابل در ۸۸۸ هـ. ق کار کرده یکی است^{۱۰۵} و شمس‌الدین پسر دیگر این استاد، کنده کاریهای امامزاده عباس ساری را انجام داده است. دنباله مطالب CORPUS به نوشته‌های در و صندوق شاهزاده حسین ختم می‌شود و از صندوق فقط نام امامزادگان را آورده است.^{۱۰۶}

پنجره مشبك شمال غربی بقعه شاهزاده حسین

در شمال بقعه دری در وسط و دو پنجره مشبك در دو طرف آن است بر حاشیه سمت چپ پنجره شمال غربی عبارات زیر حک شده است. این عبارات از پایین به بالاست:

فی ظهور حضرت امامزادگان بحق سلطان حسین و سلطان محمد ابن موسی الكاظم عليهم السلام فی يوم الخميس جمادی الاولى سنة اثنی وثمانمائه.

ملگتوف فقط نام شاهزاده حسین را جزء امامزاده‌ها ذکر کرده و می‌نویسد در

105- Nosratollah Meshkati, Alist of the historicial sites and ancient monuments of Iran. tr . A. S. Pessyan. Tehran 1334. Publication No 5of the National Organisation for theprotec tion of historicial monuments of Iran. p. 170
106- Corpus pp 3, 8, 9.

محلّه شاهزاده حسین ساری است.^{۱۰۷}
مهجوری درباره این بقعه می‌نویسد:

بنائی است ساده، در ورودی آن چوبین است و کنده کاری دارد بر دولنگه آن این عبارات خوانده می‌شود:
صاحب الخیرات جناب سیادت مآب سید اسمعیل بن المرحوم سیدفتح‌الله النجفی عمل حسین بن استاد احمد سناری^{۱۰۸} فی التاریخ الرجب المرجب سنه تسعین و ثمانمائه.
بر صندوق چوبین آن سوره مبارکه یس و این عبارات زیر آن است.

هذه الصندوق المشهد المرقد الاعظم سلطان حسین و سلطان محمد جعفر ابن موسی الكاظم بسعی و اهتمام اسمعیل بن فتح‌الله النجفی الحسینی عمل استاد محمد بن حسن فی التاریخ سنه اربع و تسعین و ثمان مائه.^{۱۰۹}

مرقد سید زین‌العابدین بن سید کمال‌الدین مرعشی
در شهر ساری

ملا شیخعلی گیلانی فقط نامی از سید زین‌العابدین برده است.^{۱۱۰}

رابینو سه کتیبه از این امامزاده را به این شرح رونویس کرده است:

کتیبه امامزاده زین‌العابدین در ساری

بنا و اتمام یافت این عمارت بسعی و اهتمام ابن بنده درگاه

علاء‌الدین بن درویش محمد ابوالوفا.^{۱۱۱}

کتیبه دیگری در همان امامزاده

۱۰۷- نسخه عکسی ترجمه سفرنامه ملگتوف ص ۹۳ الف. ۱۰۸- غلط‌خوانی شده است کلمه ساری است نه سناری. ۱۰۹- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۱. ۱۱۰- تاریخ مازندران ملا شیخعلی ص ۵۷. ۱۱۱- سفرنامه مازندران و استارباد ص ۲۱ ع.

الله ولی الترفیق - الله مفتاح الأبواب فی التاريخ سنة اربع وتسعين
و ثمانمائه.^{۱۱۲}

کتابخانه صندوق امامزاده زین العابدین

صاحب هذه الصندوق و المرقد المبارک الشریف السلطان الاعظم
الاکرم برهان السادات و الاشراف المرحوم المغفور السلطان امیر شمس-
الدین ابن الامیر کمال الدین الحسینی طاب ثراه. تاریخ و فاته يوم الاثنین
خامس و عشرين شهر جمادى الثانيه اربعة عشر خوردادماه سنة خمس و
تسعمايةه .

در سفرنامه مورخ ۱۲۷۴ قمری از این امامزاده به نام سید زین العابدین یسار
شده است^{۱۱۴} در سفارشنامه انجنین آثار ملی نیز ذکرى از این امامزاده به میان آمده
است^{۱۱۵} مشکوتی ثبت تاریخی این بنا را به شماره ۲۱۲ ضبط کرده و درباره آن
نوشته است:

برج مزار سلطان زین العابدین با گنبد مخروطی هشت ترک^{۱۱۶}
آن از لحاظ ساختمانی و تزئینات کاشی کاری و صندوق و در نفیس چوبی
جزء مهمترین ابنیه تاریخی ساری به شمار می آید. در بالای در ورودی
کتابخانه ای بر روی کاشی نقش شده است. این کتابخانه که به خط رقاع است
چنین خوانده می شود:

عمل سید علی بن سید کمال الدین بناء آملی

صندوقی چوبین و مرقد دیگری در داخل این برج به نام سلطان-
امیر شمس الدین می باشد که در روی صندوق آن کتابخانه ای به خط ثلث در

۱۱۲ - سفرنامه مازندران و آستارباد ص ۲۱ ع. ظاهراً کتابخانه در ورودی بنا است .
۱۱۳ - سفرنامه مازندران و آستارباد رابینو ص ۲۱ ع و ۲۲ ع. ۱۱۴ - سفرنامه
آستارباد و مازندران ص ۹۶ . ۱۱۵ - سفارشنامه انجنین آثار ملی ش ۴۹ ص ۳۹
و ۴۰ - ۱۱۶ - نویسنده میان مخروط و هرم فرقی نگذاشته است.

نهایت ظرافت حکاکی شده است. این صندوق منبت شاهکاری از هنرهای
یدی به شمار است. خوشبختانه کتابخانه چهارطرف آن محفوظ مانده. در
کتابخانه این صندوق دو تاریخ به شرح زیر حکاکی شده است:
يوم الاثنین خامس عشرين شهر جميد الثاني سابع عشر خورداد
سنة تسع و ثمانمائه.

بدین ترتیب بنای مزار سلطان زین العابدین متعلق به اوایل قرن
نهم هجری است.^{۱۱۷}

پوپ بقعه امامزاده زین العابدین را به نام «مقبره شاهزاده سلطان محمد رضا»
خوانده است و مسلماً اشتباه کرده است.^{۱۱۸} در این گنبد کتابخانه ایست که نشان می دهد
این بقعه برای امیر زین العابدین پسر امیر کمال الدین حسین ساخته شده است . در
صورتیکه قبر سلطان محمد رضا همراه مرقد سلطان مجدالدین در خارج شهر ساری
بر سر راه ساری به فرح آباد است. دمرگان نیز به اشتباه آن را «مسجد سید محمد
رضا» خوانده است.^{۱۱۹} زاره گفته است که این امامزاده همانند سلطان محمد رضا
است.^{۱۲۰}

نویسنده کتاب اسامی دهات کشور گور سید زین العابدین مرعشی را پهلوی
امامزاده یحیی در گورستان وسط شهر ساری دانسته است.^{۱۲۱}
مهجوری درباره بقعه سید زین العابدین مطالب زیر را نوشته است:
طرح این بنا چهار گوشه، از بالا هشت ضلعی با چهار گوشوار

۱۱۷ - فهرست بناها و اماکن باستانی ایران ص ۱۳۸.

118-A survey of Persian art t. iv pl . 35 1b .

119- J. de morgan: Mission scietifique en Perse, etuae geogra-
phique, t. 1 p. 167, fig. 69.

120 - F. Sarre: Denkmaler Persi scher Baukunst p . 101 fig .
132 pl. Lxxx.

۱۲۱ - کتاب امامی دهات کشور ج ۱ صفحات ۱۷۷ و ۱۸۸.